

سواد مکتوب کسورداس هندو که از بندر عباس بمهر مکاره کمپتان سابق اصفهان نوشته و در روز نوزدهم ماه جمادی الاول به کمپتان مزبور رسیده بود سنه ۱۱۲۶ (۱۲ ژوئن ۱۷۱۴) :

« عمدةالمسیحیه والعیسویه نظامالدوله والمکرمه والخلد والصداقه والعزةالمعالی آقامکاره کمپتان سابق سرکار ولندیس (هلند) دام دولته .
«مخلص حقیقی کسورداس ملتائی بعد از وظایف دعا گوئی ومراسم اخلاصمندی مشهور رأی دولت آرا ، خدام والامقام ذویالعز والاحترام مسیحیت ورفعت ومعالی عظوفت ومکرمت وعزت دستگاه محبت ومودت انتباه محبان ومخلصان آندر گاه ستوده وبرگزیده کرداری منبع الجود والاحسان مستغنی الالقابی میدارد، حقا که شب وروز بدعا گوئی مشغول است . درباب چند طغرا کتابت که باسم کمپتان چهارسرکار ولندیس فرستاده بودند رسید وقلمی فرموده بودند که محب اخلاصمند آنها را برساند . بر رأی دولت آرا مخفی نماند که کمترین سه طغرا کتابت بنحوی که مصلحت دانست و کس مطلع نشد باستادی تمام رسانیده نهایت فرصت جواب گرفتن نمیشود، خود میداند که روز گاراست، حکایت پوشیده شدن خیلی کاراست، نهایت آنصاحب درین باب خاطر بکلی جمع فرمایند که انشاءالله بعد از مطالعه نمودن آنها خود جواب بایشان خواهند فرستاد و علاوه برنوشتجات بندرسورت که

فرستاده بودند که باید بسورت فرستد هم در آن خاطر جمع باشند که آنچه از دست محب برمیآید کوتاهی نخواهد کرد، نهایت چنین شده است که هر کس در بندر کاغذی میدهد می پرسند که این از چه کسی است و از کجا آمده، و بلکه قبض از آن کس میگیرند اما خاطر خود را جمع فرمایند که بنده در سعی است و مشخص است که هر کس خدمتی میکند برای خود میکند ان شاء (الله) اطوار خدمتگذاری خود بخدمت ایشان ظاهر خواهد شد که چگونه خدمت بجای آورده قسمتی دیگر بخاطر شریف نرسانند که ان شاء (الله) کارها بنحوی که خود خواهش فرموده این همچنان خواهد شد. بنده نیز از خدا میخواهد که ایشان بر حسب المدعی خود توفیق یابند و ان شاء (الله) که خواهد شد. بنده خدمتگاری از ایشان خدمتی که فیصل تواند ساخت خود را معاف نمیدارد و ملازمان نظر توجه در ریغ ازین محبت خود نفرمایند و پیوسته مر جوعات بین الامثال والاقران سرافراز گردانند. «